



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

هامل و متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنا  
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخشنامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سؤالات

سال ششم - شماره ۱۵۲۸

صفحه ۱

فهرست مطالب

۲۵شنبه ۱۵ خردادماه ۱۳۲۹

دوره شانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۲۷

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۵شنبه ۴ خرداد ماه ۱۳۲۹

فهرست مطالب

- ۱ - تصویب صورت مجلس ۲۶ اردیبهشت ماه .
- ۲ - بیانات آقایان دکتر مصدق و نخست وزیر .
- ۳ - تقدیم يك فقره لایحه بوسیله آقای نخست وزیر .
- ۴ - بیانات آقایان وزیر کشور و وزیر دارائی و وزیر جنگ .
- ۵ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه .

مجلس دو ساعت و سی و پنج دقیقه قبل از ظهر برپاست آقای دکتر معظمی ( نایب رئیس ) تشکیل گردید

### ۱ - تصویب صورت مجلس ۲۶

اردیبهشت ماه

نایب رئیس - صورت غائبین جلسه گذشته

قرائت میشود:

( بشرح ذیل قرائت شد )

غائبین با اجازه - آقایان : حسین فرهودی - محمودی - منصف - سمودی - فقیه زاده - دکتر طباطبائی - دکتر سید امامی .

غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر مصباح زاده صفوی قهرمان - سنندجی - امینی - سرتیب زاده - اسکندری - اقبال - معذل شیرازی - دکتر مصدق - تیمور تاشی .

دیر آمده با اجازه - آقای آشتیانی زاده ۲ ساعت و ۳۰ دقیقه .

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : خاکباز - تولیت - شهاب خسروانی - حسن اکبر - پیراسته

نایب رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ ( اظهاری نقد ) صورت مجلس ۲۶ اردی بهشت تصویب شد .

### ۲ - بیانات آقایان دکتر مصدق و

نخست وزیر

نایب رئیس - مواد ۸۸ و ۲۰۴ و ۲۰۶ آئین نامه داخلی قرائت میشود .

( مواد فوق بوسیله آقای صدر زاده ( منشی ) ( بشرح آتی خوانده شد )

هن مذاکرات مشروح بیست و هفتمین جلسه از دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس

ماده ۲۰۴ - مخبرین جرائم و تماشاچیان با داشتن بلیط مخصوص همان جلسه که با مهر اداره کار برداری و امضای یکی از کارپردازان صادر شده باشد و نیز مأمورین انتظامی بدستور رئیس مجلس در محل های مخصوص حق حضور خواهند داشت و باید در تمام مدت جلسه ساکت باشند و از هرگونه تظاهر خوداری کنند و گرنه بامر رئیس از مجلس اخراج میشوند .

ماده ۲۰۶ - هر يك از تماشاچیان و نمایندگان جرایم که باعث اغتشاش یا اختلال نظم مجلس شود و یا نسبت بر رئیس یا نمایندگان مجلس و یا وزراء و معاونین و یا سایر افراد توهین و یا تهدید نماید بامر رئیس مجلس از تالار جلسه اخراج و توقیف میشود در صورتیکه عمل او مستوجب تعقیبات کیفری باشد در ظرف ۲۴ ساعت بمراجع صالحه تسلیم خواهد شد .

ماده ۸۸ - قطع کلام و استعمال الفاظ زشت و توهین و توضیحات خصوصی شخصی و هرگونه حرکات و تظاهراتیکه موجب بی نظمی مجلس باشد ممنوع است و مرتکب مشمول مجازات مندرجه در مواد ۹۵ الی ۱۰۷ خواهد گردید .

نایب رئیس - بنا بر این تمنی میکنم که آقایان رعایت نظم را بفرمایند در صورتیکه اشخاص مغل نظم باشند طبق مقررات با کمال اقتدار از نظامنامه استفاده خواهد شد ( صحیح است ) در جلسه قبل اجازه داده شده است که آقای دکتر مصدق صحبت نمایند ( بعضی از نمایندگان - بلند تر ) در جلسه قبل نامه ای از آقای دکتر مصدق در مجلس شورای ملی قرائت شد ، ولی چون طبق معمول باید در دوره اسم نویسی شده باشد این است که آقایان دهقان دکتر بقائی و مکی اسم نویسی کرده اند و حالا آقای مکی حاضر شده اند نوبت خودشان را با آقای دکتر مصدق واگذار میکنند .

دکتر مصدق - بسیار خوب .

حالت اجازه ندهند بیایم صحبت کنیم کاری است  
کردم افتاده و گرفتار شده ام  
سی سال قبل گمن و زرمالی بودم هر روز نامه ای  
که میخواست از من تنبیه بکنند اول ترفی از وزیر  
چنگ وقت یعنی اعلیحضرت شاه فقیه مینمود و بعد  
شروع به تنبیه از من میکرد وقتی که شکایت میکردم  
وزیر چنگ میفرمود چیزی بدی نوشته اند من هم سعی  
کرده ام که بدین طریق کتبی خود از کسی بد نویسم تا  
آقایان بفهمند بیبی ندارد وصحت کنم اکنون نطقی  
که تهیه کرده ام میخوانم و پس از آن هم مریضی دارم  
که عرض میکنم  
در باب مجلس مؤسسان  
بعد از مجلسی که بعنوان مجلس مؤسسان برخلاف  
افکار عمومی تشکیل شد و از این مردم کسی بسمت  
نماینده کی در آن نبود که از قانون اساسی یعنی خون  
بهای شهدای آزادی دفاع کند اینجانب تصمیم گرفتم  
که در اولین مرحله امکان آنچه در صلاح مملکت و  
شخص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی است عرض ملت  
ایران برسانم و در شانزدهمین جلسه همین مجلس  
مطالبی باختصار گفتم که تمام آنها در جراید نوشته  
نشد اکنون باز موقعی بدست آمده است که نظریات  
خود را در این جلسه عرض کنم و قضاوت آن را بعهده  
هموطنان عزیز و بیخبر محول نمایم  
من نمی گویم قانون اساسی کزاده فکر بشر  
است لایتنر است ولی می گویم قانون اساسی را باید  
نمایندگان حقیقی ملت تهیه دهند و هر گونه تغییری که  
غیر از این باشد مورد تصدیق ملت ایران نیست و کار  
مجلس مؤسسان بی ارزش و غیر معتبر است  
از فوت بانی مشروطیت رحمت الله علیه هنوز نیم  
قرن نمی گذرد که ما پانچ پادشاه مواجه شده ایم و  
امیدواریم که پادشاه جوان بخت ما بمر طبعی برسد  
و سایرین دراز سابه بلندشان بر سر ما مستدام بماند ولی  
این دهای خیر مستلزم این نیست که قانون از نظر  
اشخاص وضع شود و لو هر قدر خوب باشد  
قانون را باید طوری وضع نمود که اشخاص بد  
نتوانند برخلاف مصالح مملکت و در نفع خود از آن  
استفاده نمایند  
استفاده از حق انحلال بدون قید و شرط گذشته  
از اینکه مجلس و مملکت دچار مشکلات می کند  
برای نمایندگان مجلس هم متضمن ضررهای بسیار  
است یک نماینده حقیقی ملت چقدر باید در افکار  
مردم رسوخ پیدا کند و چقدر باید مورد اعتماد جامعه  
باشد تا بتواند حاضر مقام نمایندگی شود آیساز او  
است که ناگهان مجلس منحل شود و نمایندگان از  
مأموریتی که مردم به آنها داده اند برکنار گردند  
مطلوب ما این است که دولت در انتخابات دخالت  
نکند و نمایندگان مجلس را مردم خوب انتخاب نمایند  
تا بتوانند برای مردم وضعیات بهتری ایجاد کنند  
تهدید بانحلال حربه ظالمانه است که اشخاص  
مفرض می توانند بکار برنند نمایندگان را همیشه  
متزلزل میکنند بطوری که نتوانند کوچکترین خدمتی  
بمملکت بکنند

لازمه اصلاح در سایر ممالک چهره های نیکند  
که ما نمی توانیم آنرا درک کنیم  
در ممالکی که احزاب سیاسی بزرگ و قوی  
دارند وقتی که هیچک از آنها نتوانند در مجلس یک  
اکثریت قابل توجهی تشکیل دهند مثل انتخابات  
اخیر انگلستان مجلس را منحل می کنند تا در انتخابات  
بعد ملت یکی از دو حزب را تقویت کند و آن حزب در  
مجلس اکثریت بزرگی تشکیل دهد و پشتیبانی مردم  
بوظایف خود نسبت بمملکت عمل نماید  
در ممالک دیگر هم که احزاب بزرگ نیست و  
نمایندگان احزاب مختلفه روی نظریات مسلکی و  
سیاسی متحد شوند دولت ها را بی دردی ساقط می  
نمایند باز مجلس را منحل می کنند و جامعه را بحکمت  
دعوت می نمایند تا اگر مردم دولت را ذیحق بدانند  
آن و کلا انتخاب نشوند و الا نمایندگان دارای همان  
عقیده انتخاب شوند دولت را بوظایف خود یعنی تبعیت  
از افکار مردم آشنا نمایند  
اما می توان گفت در ایران هم مجلس را روی  
این نظریات منحل کنند و اگر کردند آیا انتخابات  
آزاد است تا مردم بتوانند بین نمایندگان مجلس و  
دولت قضاوت نمایند  
یک نظری با آمار ادوار تقنینیه ثابت می کند که  
نمایندگان هر دوره تا ماههای آخر دوره توانسته اند  
تأحمدی انجام وظیفه کنند یعنی حاضر نشوند با هر  
لایحه ای که دولت بمجلس آورده است بی چون و چرا  
موافقت کنند و فقط در ماه های آخر دوره که کار  
انتخابات دوره بعد پیش آمده و بدولت محتاج شده اند  
بالوایح دولت ولو بشهر مملکت موافقت کرده اند  
ولی اکنون حربه انحلال نمایندگان را نه تنها  
در اواخر دوره بلکه از اول تا آخر متزلزل کرده  
است و یقین دارم که در صورت امکان انحلال در مقابل  
هیچ پیش آمدی نمی توانند از خود شخصیتی بروز  
دهند و بالوایح دولت یعنی آن لوایحی که روی سیاست  
های معینی بمجلس می آید مخالفت نمایند  
نسبت باصل ۴۹ که می گویند مقصود از تجدید  
نظر این نیست که مجلس مطابق نظریات شاه رای بدهد  
بلکه مقصود این است که مجلس در قانون تجدید  
نظر کند و هر چه بعد تصویب نمود بتوشیح برسد  
گمان نمی کنم این استدلال لزوم تغییر اصل ۴۹ را  
ایجاب کند چه هیچ مجلسی نیست که بانظریات  
خیر خواهانه شاه در حین تصویب قانون مخالفت  
کند  
مجلس اگر بانفکار مردم عادی که در صلاح  
مملکت اظهار کنند توجه ننمود منظور جامعه میشود  
در اینصورت چطور ممکن است که شاه توسط دولت  
امری درخبر جامعه بدهد و بخواهد مجلس را در راه  
خیر و صلاح هدایت کند و مجلس با امر شاه خیرخواه  
برخلاف اصل ۲۷ متمم قانون اساسی که می گوید  
دقوه مقننه که مخصوص است بوضع و تهنید قوانین  
و این قوه ناشی میشود از اعلیحضرت شاهنشاهی و  
مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر یک از این سه  
قوه منشأ حق انشاء قانون را دارد موافقت  
نکند

بسی اوضاع و طرز کار نمایندگان  
از بی اوضاع چیزی عرض نمیکنم و کسی  
نیست متحرک باشد که قریب چهار کی و عدم رضایت مردم  
متضمن هر گونه خطرات  
و علت اصلی این اوضاع ناگوار این است که  
انتخابات مجلس شورای ملی غیر از دوره اول و  
تأحمدی دوره دوم و سیم در سایر ادوار آزاد نبوده  
و نمایندگان مجلس با مردم از نظر انتخابات ارتباطی  
نداشته اند  
قطعا این اوضاع قابل دوام نیست در اینصورت  
آیا بهتر نیست که ترتیبی پیش آید که این وضعیت  
دلخراش هر چه زودتر تغییر کند و رفاهیت و آسایش برای  
این مردم فراهم شود  
قبل از آمدن بمجلس نظر ما این بود که رویه  
سابق خود را ادامه دهیم یعنی بتشکیل یک اقلیتی در  
مجلس قناعت کنیم ولی بعد از مطالعه اوضاع مملکت  
اینطور بنظر رسید که تشکیل اقلیت فعلا مصلحت  
نیست و بهتر است که از دولت بخواهیم لوایح مفیدی  
تقدیم مجلس کند و در اصلاحات قدمهای سریع و  
مؤثری بردارد  
چنانچه دولت لوایح مفیدی بمجلس داد موافقت  
کنیم و جنبه منفی را وقتی بکار بریم که از دولت  
بکلی مایوس شویم  
در اینجا باید توضیح دهم که مردم بیچاره در  
کار خیر بسابقه خوب باید اشخاص نگاه نمی کنند  
سابقه اشخاص هر قدر خوب باشد و تکیه بر مردم خدمت  
نکنند برای مردم فرق نمیکند و بالعکس  
مردم می خواهند آسوده و از این زندگی  
فلاکت بار راحت شوند هر کسی در این روز  
بمردم خدمت بکند سابقه اش هر چه باشد مردم با او  
موافقت  
مردمی که امروز محتاج یک لقمه نانند برایشان چه  
فرق می کند که این نان از دست اشخاص خوب برسد  
یا از دست آنها می که نان آنها را قطع کرده و آنان را  
باین روز سیاه نشانیده اند  
انتخابات طهران ثابت نمود که مردم از اشخاص  
فدا کار از اشخاصی که درخبر جامعه قدم برمی دارند  
تقدیر می کنند اکنون بر ماست که در عمل خود  
را خیرخواه معرفی کنیم تا جامعه ما را مشمول توجهات  
خود قرار دهد  
وقتی که مأمورد اعتماد مردم شویم هیچ قوه ای  
نمی تواند که برخلاف افکار عمومی کوچکترین سنی  
بر ضرر ما بکند  
از این مقدمه این نتیجه گرفته میشود که برای  
اصلاحات و برای جلوگیری از هریش آمدی امروز  
غیر از این مجلس مرجع دیگری دیده نمی شود ولی  
بسیار متأسفم که مجلس می خواهد با طرز کار خود  
امید مردم را بیاس میل کند  
تا نمایندگان برای خود شخصیتی قائل نشوند  
و طرز کار خود را تغییر ندهند این مجلس بهیچگونه  
اصلاحی موفق نمیشود  
از تفصیل قضایای که باعث رکود کار و

در آذربایجان ضرورت داشت وزیر کشوری  
توجه افکار عمومی باشد بجای ایشان بیاید  
انتخابات نطقی که شروع شده و ناتمام است  
شروع نشده بر طبق آمار و آرزوی وطن پرستان  
خانه یابد  
من میخواهم عرض کنم که وزیر فنی کشور  
کسی است که موقع هجوم دشمن خارجی انجام  
وظیفه ننمود و از محل مأموریت خود فرار کرد و بلا  
نیخواهم عرض کنم که نسبت به ملیت ایشان در آن  
داری فارس مطالبی در روزنامه ها نوشته اند چه  
خبری معتدل است که صدق باشد یا کذب ولی فقط  
میخواهم این عرض را بکنم که وزیر کشور باید کسی  
باشد که با آزادی انتخابات ایمان داشته باشد من چطور  
میتوانم ایشان را صاحب ایمان بدانم وقتی که برای  
آزادی انتخابات دوره ۱۰ بخانه من آمدند و باتفاق  
زفتم بدر بار و آنجا سخن شدم ولی بعد همینکه  
مجلس مؤسسان تشکیل شد ایشان از آن مجلس سر  
در آوردند  
نسبت با آقای گلشایان عرض میکنم که افراد هر  
جامه رایسه دسته میتوان تقسیم نمود یک اقلیت خوب  
و یک اقلیت بد که هر دو لایتنرند و یک اکثریت بزرگ  
که لایتنر نیست و تحت تأثیر محیط ممکن است خوب  
شود و یابد  
هر گاه اصل مجازات و مکافات در جامعه اجراء  
و معمول شود چون نوع بشر همیشه دنبال نفع میرود  
مرتکب کار بد نمیشود  
چنانچه اصل مزبور اجرا نشد سطح اخلاقی مردم  
بقدری تنزل میکند که اشخاص خوب در جامعه انگشت  
شمار بشوند  
همه میدانند که آقای گلشایان سوابق خوبی  
نداشت و اعضای لایحه و دفاع از شرکت نفت بر  
علیه مصالح ایران ایشان را بیشتر مفتضح و رسوا  
کرد  
بنا بر این بجای اینکه ایشان بعد از  
انفصال از خدمت وزارت دارائی سال ها  
از کار برکنار شوند تا از کرده خود پشیمان شده  
دیگر مرتکب اعمالی که برخلاف مصالح مملکت  
باشد نشوند بلا فاصله باستانداری فارس منصوب  
میشوند  
اینطور رفتار با کسی که وزیر این ملت ولی  
وکیل مدافع شرکت نفت بود سبب خواهد شد که  
هیچ وزیری از منافع شخص خود صرف نظر نکنند  
کوچکترین قدمی در نفع جامعه مردم برندارد  
و اما راجع به انتخاب رئیس شهربانی  
همه میدانند که یکی از جهات فساد این دستگاه  
این است که روساء شهربانی غالباً از اشخاصی انتخاب  
شده اند که برای حبه جاه و مقام و سوء استفاده  
حاضر شدند با ناموس مردم و مملکت بازی کنند و  
من بجای دور نمیروم و چند کلاه از آقای سرتیپ صفاری  
رئیس سابق شهربانی عرض میکنم  
بر احضار پوشیده نیست که در انتخابات اولی  
طهران در این دوره چه دل زشتی بازی نمود مرتکب

بسیار متأسفم که مجلس می خواهد با طرز کار خود  
امید مردم را بیاس میل کند  
تا نمایندگان برای خود شخصیتی قائل نشوند  
و طرز کار خود را تغییر ندهند این مجلس بهیچگونه  
اصلاحی موفق نمیشود  
از تفصیل قضایای که باعث رکود کار و

بسیار متأسفم که مجلس می خواهد با طرز کار خود  
امید مردم را بیاس میل کند  
تا نمایندگان برای خود شخصیتی قائل نشوند  
و طرز کار خود را تغییر ندهند این مجلس بهیچگونه  
اصلاحی موفق نمیشود  
از تفصیل قضایای که باعث رکود کار و

بسیار متأسفم که مجلس می خواهد با طرز کار خود  
امید مردم را بیاس میل کند  
تا نمایندگان برای خود شخصیتی قائل نشوند  
و طرز کار خود را تغییر ندهند این مجلس بهیچگونه  
اصلاحی موفق نمیشود  
از تفصیل قضایای که باعث رکود کار و



کشود تفریح نایم در صورت لزوم کتاب یا شفاها  
 عیب این قسم سیاست اقتصادی یعنی سیاست خودسرانه  
 ای که هروقت خواستند وسائل جریان معاملات را -  
 بدون این که مقدار معاملات و داد و ستد فزونی یافته  
 باشد زیاد کنند توضیح خواهم داد  
 این بودشما ای از مطالب که میخواستید در مجلس  
 شورای ملی عرض ملت ایران برسانم کار ما که  
 فعلا اقلیت مجلس را تشکیل بدهیم جز این نیست که  
 ارائه طریق کنیم راه و چاه را نشان دهیم و از  
 ملت ایران بخواهیم که بیدار کار خود باشند و نیز  
 مجلس و دولت را بهواقف و خیم بی اهتتائی بهافکار  
 عمومی متوجه کنیم و با هر قدمی که دولت برخلاف  
 مصلحت مملکت بردارد تا پای جان مقاومت نماییم  
 راجع بوجوهی که در بنگاه برنامه فرو میروند  
 اظهار نظر خود را بوقت دیگر محول مینمایم  
 از اینکه عرض کردم آقایان اظهار شخصیت کنید نه  
 خواستم توهین کرده باشم آقایان الحمدلله همه دارای  
 شخصیت هستند اما میخواهم عرض بکنم که شما فدا  
 کاری بکنید هر گدست از جان بشوید هر چه دردل  
 دارد بگویند (بابی انت و امیر اباهدالله) ای بزرگ  
 ترین مجاهد آزادی و خیرخواه بشر  
 بیستم شهریور همه زندانیها و تمام اشخاصیکه  
 تحت نظر شهربانی بودند آزاد شدند و منم آزاد شدم  
 آقای سپید احمدی نوشتند که حسب الامر اعلیحضرت  
 همایونی آزاد هستید که بشهر بیاید من گفتم با شهر  
 کاری ندارم من خیلی دلتنگ بودم و بشهر نیامدم در  
 تمام مدت شاید دو یا سه مرتبه برای کسالت دختر  
 مریض بهران آمدم دوره سیزدهم تقریباً تمام شد یک  
 واقعه ای بین من و مرحوم مؤتمن الملک روی داد که لازم  
 میدانم عرض کنم مرحوم مؤتمن الملک بدین من آمد  
 من بایشان عرض کردم شما که انتخاب شدهاید بمجلس  
 میروید یا نه؟ گفتند من ۷۰ سال دارم گفتم ۷۰ سال  
 شمس یا قمری گفتند قمری گفتم پس ۲ سال تفاوت  
 دارد و دو سال وقت دارید بعد گفتند که من ناخوشم  
 گفتم آقا ناخوشید اینجا چهطور تشریف آوردید گفت  
 دیگر آمدم گفتم مجلس هم دیگر بروید ما بشما در مجلس  
 احتیاج داریم لازم نیست کمتر بمجلس بروید انتخاب  
 مردم را قبول بکنید اگر روزی لازم شد ما بشما خبر  
 میدهیم کجا در مجلس حاضر شوید و منکن است یک  
 رأی شما سبب بشود که پنجاه نفر دیگر هم تبعیت از  
 شما بکنند و مملکت را از روزهای خیلی سخت نجات دهد  
 گفتند که من نمیتوانم قبول کنم گفتم این کرسی پارلمان  
 امانتی است که بشما سپرده شده اگر شما آن سیزدهمی  
 را نمایلید بماند بسیار خوب است فایده می ولی اگر  
 بشن ایبل است در این امانت خیانت کردهاید بهجهت  
 اینکه استغای شماسبب میشود که سیزدهمی بیاید جای  
 شما ایشان گریه زیادی کردند و خیلی متأثر شدند دمه  
 دومی که ایشان را دیدم منزل خودشان بود که من سعی  
 کردم از این باب چیزی نگویم که باز متأثر بشوند چند  
 روز گذشت فرمانداری تهران کافنی نوشت که شما  
 حاضر هستید نمایندگی را قبول بکنید یا نه من بلاواسطه  
 بایشان کافنی نوشتم که قبول کنید ولی برخلاف انتظار  
 ایشان رو کرده و همین مسئله باعث شد که من تا روزی

خونند که پدر شاه هم باستوواب جلالت شاه جلالت  
 پیدا میکنند ولی اگر این کار را نکنند این اصلاح  
 خانواده سلطنت نپندم دوم اینکه در امور دولتی  
 دخالت نفرمایند بجهت اینکه پادشاه مشروطه آنکسی  
 است که هیچکس با او مخالف نباشد و همه مردم با  
 شاه موافق باشند و قتی که شاه تشریف بردند در هیئت  
 وزراء و فرمودند که این شخص باید استنادار باشد  
 ۹ نفر دیگر که داوطلب استانداری هستند با شاه  
 مخالف میشوند و قتی که شاه فرمودند یک نفر باید وکیل  
 بشود ۱۲ نفر دیگر هم همین انتظار را دارند و اگر  
 شاه فرمود که شاه مخالف میشوند بنا بر این دخالت  
 اعلیحضرت در امور مملکت بهیچ وجه صلاح شاه و  
 مملکت نیست  
 مالک مشروطه باید از مملکت مشروطه اصلی  
 تقلید کند که انگلستان است اگر کسی دید که پادشاه  
 انگلستان در یکی از این قبیل امور دخالت بکند  
 اعلیحضرت هم بفراهمند بیضرر است  
 عظمت و جلالت انگلیس باین است که شاه در این  
 قبیل امور دخالت نمیکند و یک رجال بزرگی آنجا  
 هست که مملکت را با بصورت در آورده اند  
 شاید خیال نبود که در انگلستان فقط یک چرچیل  
 و یا یک اتلی است  
 عظمت و بیهشرفی سیاست بین المللی انگلیس مزهون  
 رجال بیشاریست که دارد  
 مملکتی که رجال ندارد هیچ چیز ندارد مخالفت  
 من با دیکتاتوری این بود که از خصائص دیکتاتوری  
 یکی این است که مملکت فاقد رجال و دیکتاتور  
 رجل منحصر بفرد باشد آن هائی که عقیده باین  
 رژیم دارند باید فکر کنند که بعد از دیکتاتور کار  
 مملکت چه میشود  
 آتهائیکه میگویند چراغ بردارید عقب شاه فقیه  
 بگردید اشتباه میکنند  
 وضعیت امروز ما عکس العمل دوره دیکتاتوری  
 است اگر مملکت رجال داشت اگر مملکت اشخاص  
 علاقمند داشت چرا وضعیت اینطور بود از اعلیحضرت  
 هیچکس با حسن نیت تر نیست (صحیح است) شاهنشاه  
 وطن خود را دوست دارد (صحیح است) اعلیحضرت  
 بقدری علاقمند با اصلاحات این مملکت است که من  
 تصور نمیکنم کسی از شاهنشاه بیشتر علاقمند به مملکت  
 باشد (صحیح است) ولی وقتی که مملکت فاقد رجال  
 باشد شاه چه میتواند برای مملکت بکند وقتی که  
 در خانه کسی نیست چهطور میشود کارخانه رادرسر  
 کرد وقتی که در مملکت رجال نباشد وقتی که در  
 مجلس شورای ملی نمایندگان بیخشیه سمارت میکنند  
 قسم میخورم که اگر انتخابات آزاد باشد باز مردم  
 یک عهد از شما را انتخاب میکنند ولسی اختلاف  
 من فقط بر سر اینست که اعتبار نامه نمایندگان را  
 کی بدهم؟  
 اگر اعتبارنامه نمایندگان را ملت داد نمایندگان  
 نوکر ملت میشوند مثل اینکه ما نوکر این ملت  
 هستیم (اشاره بشا شایان) و هر چه در صلاح ملت  
 باشد اظهار میکنم شما هم اگر می توانید من جای

این حرفها (یکی از نمایندگان - در کدام دوره فرمان؟)  
 در دوره ۱۴  
 آقای امیر تیمور در مجلس بودند ایشان باشندند  
 و گفتند که جناب آقای سرتیپ هدایت بعد از شهریور  
 از کان حرب جزو وزارت جنگ شده بود و حالا  
 نمایانم چرا مستقل شده بعد ایشان برخاستند و یک  
 جوابهایی دادند و بنده ۰۰۰۰ اینها همه در مذاکرات  
 مجلس منعکس است تمام مطابق النعل بالنعل هست  
 ولی در همه روزنامه ها منتشر نشد فقط یک روزنامه  
 نوشت حالا یاد نیست چه روزنامه ای بود ۰۰۰ بنده  
 برخاستم و گفتم آقای سرتیپ هدایت بنده روزاولی  
 که حضور اعلیحضرت همایونی رسیدم این هراض را  
 حضور اعلیحضرت کردم و اعلیحضرت هم قبول فرمودند  
 و این حرفهایی که شما میزنید در مجلس مورد ندارد  
 ایشان باز برخاستند و از من معذرت خواستند  
 بعد در یک کابینه ای که ما مخالف میکردیم  
 حالا برای احترام نماینده ای که مقابلم نشسته اند  
 اسم نمبرم گفتم دولت بواسطه نداشتن شخصیت نمی  
 تواند کاری بکند یکی از وزراء یعنی آقای نصر الملک  
 اظهار نمود که عزل و نصب وزراء با اعلیحضرت  
 همایون شاهنشاهی است گفتم آقای نصر الملک شما  
 وکیل دوره اول تقنینیه بوده اید شما قانون اساسی  
 را امضاء کرده اید ۰ اگر قانون اساسی  
 هم اش اجرا شده باشد لااقل این مسئله عزل و نصب  
 وزراء که اجرا شده شاه هروقت که بخواهد کسی را  
 بفرستد تمایل میخواهد حالا چرا تمایل میخواهد؟  
 برای اینکه احترام شاه محفوظ باشد وقتی شاه از  
 مجلس تمایل نخواست و یک نفر را فرستاد اگر مجلس  
 مخالفت نمود بشاهنشاه برمیخورد ۰ پس اصل تمایل  
 برای اینست که یک وزیر می آید در مجلس مردم میگویند  
 این وزیر باصلاح اروپائی *prosna grata*  
 (پرسونا گرانا) است یعنی احترامش در مجلس رعایت  
 میشود اگر این اصل رعایت نشود بگویند بکسی  
 برمیخورد؛ والله هر کس بگوید بشاه برمیخورد  
 خیانت بشاه کرده است (صحیح است)  
 و دیگر برای هم اعتماد است اگر مجلس شورای ملی  
 که نماینده حقیقی ملت است ۰ اگر مجلس شورای  
 ملی که حکومت ملی دست اوست بگوید من بنحست  
 وزیر عقیده ندارم و باید بروم آیا شاه میتواند  
 بفرماید من باو اعتماد دارم و باید بماند  
 مقصود اینست وقتی اصل تمایل و اصل رأی  
 اعتماد اجرا شود آنوقت عزل و نصب وزراء بمجلس  
 است در مالکی که احزاب بزرگ هست تمایل معنی  
 ندارد در مملکت انگلستان اگر حزب کارگرموفق  
 شد تمایل از شاه میخواهد و رئیس حزب کارگر  
 رئیس دولت است اهاهم از اینکه شاه بخواهد یا نخواهد  
 اما در مملکتی که احزاب نیست در یک مملکتی که  
 وزراء دیمی روی کار می آیند اگر این وزراء نیامدند  
 و از مجلس رأی تمایل نخواستند وقتی که مجلس  
 خواست مخالفت بکند این بمقام سلطنت برمیخورد  
 در دوره ۱۵ تقنینیه ما رقیب برای آزادی  
 انتخابات با همین آقای حاضر (اهل به آقای اردلان

گرم مرحوم نمایان ایشان دوری کمه را برای اینکه ما هم  
 چه داریم مال مردم است هر چه داریم از این مملکت  
 است اگر نباشد ما آنچه را که از این مردم گرفتیم بنفع  
 این مردم بکار نبریم ما برخلاف وجدان رفتار کرده ایم  
 ما مبیایست تا آخرین لحظه تا آن ساعتی که بتوانیم در  
 خیر این مردم صل بکنیم و قدم برداریم این مذاکراتی  
 بود که من با آقای مؤتمن الملک کرده بودم  
 قبل از اینکه بمجلس بیایم روزی اعلیحضرت همایون  
 شاهنشاهی مرا احضار فرمودند که در تمام دوره سیزدهم  
 و در تمام این دوسال همیشه شما را دعوت کردند و هر قدر  
 چشم انداختم شما را ندیدم دیروز کسی گفت بشهر  
 آمدید این بود که شما را احضار کردم  
 و قتی که من در زندان و در نهایت بدبختی بودم  
 هیچکس قادر نبود که از من کوچکترین توسل بکند  
 جناب آقای منصور نخست وزیر بودند وعده دادند ولی  
 جرئت اینکه یک مذاکرات جدی بکنند نداشتند  
 (نخست وزیر - مذاکره کردم)  
 عرض میکنم جرئت نداشتید اگر جرئت داشتید من از  
 زندان بیرجند آزاد میشدم و حوادث سوم شهریور  
 هم پیش نمی آمد  
 لم یشرک الناس لم یشرکه الله من خوبی و محبتی  
 که ارست یرن در حق نموده است هیچوقت فراموش  
 نمیکنم ایشان اهل سوس و او قاتی که اعلیحضرت همایون  
 شاهنشاهی در آنجا تحصیل میفرموده اند با در بارم بوط  
 شده است آقای یرن ناخوش و در مریضخانه نجمیه  
 بستری و خوب شد وقتی خواست برود از پسر من تشکر  
 نمود پسر من گفت اگر شما می خواهید از من تشکر  
 بکنید بروید پدر مرا که در زندان است مرخص بکنید  
 گفت چشم خدا شاهد است هیچکس قادر نبود نزد  
 شاه فقیه از من شفاعت بکنم مگر این شخص که گفت  
 به اعلیحضرت عرض کرد تمام خدمات و زحماتی که در  
 راه شما کشیده ام باین مصالحه می کنم که بک زندانی  
 را خلاص کنید شاه فرموده بودند از او بد نشینم و  
 میروم از او وساطت میکنم  
 رفتند حضور پدر تاجدارشان و از من توسط  
 فرمودند شاه امر کردند که یک قدری تأمل بکنید و  
 بالاخره بعد از بیستروز دستور دادند که مرا از زندان  
 بیرجند با آمد آباد منتقل و در آنجا تحت مراقبت  
 مأمورین شهربانی باشم موقع تشریف به پیشگاه  
 اعلیحضرت عرض کردم من این خوبی را تا هر دارم  
 فراموش نمیکنم (احسن) و تا هر دارم کمر خدمت  
 ذات ملو کانه را بستم اکنون که شرفیاب شده ام در  
 استعفا دارم فرمودند بگویند عرض کردم یکی این است  
 که اعلیحضرت حساب خودتان را با حساب شاه فقیه  
 یکی نکنید والا ورشکست می شوید فرمودند چرا  
 ورشکست میشوم؟ گفتم برای اینکه اعلیحضرت فقیه  
 یک عملی در این مملکت کرده اند که دشمن زیاد دارند  
 اگر شما فرمودید که هر کس باشاه مخالف بود یا هاه  
 با او مخالف بود منم با او مخالف هستم درست  
 نشود الملك عقیم شاه باید بفراهمند در راه مملکت  
 در راه وطن نه پدر دارم و نه مادر نه خواهر دارم نه  
 برادر من شاه این سلطنت اگر اینطور فرمودند  
 یک عظمت و یک جلالتی پیدا میکند که شهره افان

خود را بشما میدم و حرفهایی مثل ما بزنید ما چه  
 میگوئیم و شما چه میگوئید؟ من میگویم چون این  
 مردم با اعتبار نامه داده اند و مأمورین این مردم  
 هستیم ناچاریم برای اینکه بنده همین اعتبار نامه  
 را از این آقایان بگیرم همان زنده با در مرده با ده که  
 شنیده ایم بشنویم مطابق میل مردم رفتار کنیم شما  
 اگر میگویند که میل مردم فطرت است این حرف اساسی  
 ندارد و مملکت مال مردم است و هیچوقت اکثریت  
 مملکت کار بد نمیکند در یک مملکت ۱۵ ملیونی  
 دزد و نادرست و پست هم اندازه میدهد بنا بر این  
 اکثریت هیچوقت برخلاف مصالح مملکت رأی نمی دهد ولی  
 اگر مردم دخالت نکنند و فقط چند نفر دخالت کنند  
 آن چند نفر اشخاصی را مطابق میل و مأموریتی که  
 دارند انتخاب میکنند اینست که با تصدیق بیانیکه  
 شما رأی ملت را دارید و با تصدیق باین که اگر  
 انتخابات آزاد باشد همه زیادی از شما را ملت انتخاب  
 میکند چون شما اعتبار نامه از دست ملت نگرفتید  
 نمیتوانید بنام ملت حرف بزنید (فراموشی من گرفتیم)  
 شما گرفته اید؟ یا قتل و کشتار (فراموشی -  
 کشتند که من وکیل نشوم و شدم) آقای فراموشی  
 من که مخلصم (زنک رئیس ۰۰۰) چه طور شد  
 شما وقتی با ما موافق بودید حالا مخالف شده اید؟  
 (فراموشی - حالش هم موافقم) پس هیچ چیز  
 نگویید (فراموشی - اطاعت میکنم) اگر من چیزی  
 میگویم نظری ندارم بدانید بجان خودت والله که  
 دوست دارم (فراموشی - مطمئن باشید که من وکیل  
 ملت هستم پرونده ام هست) (زنک رئیس ۰۰۰)  
 اما اگر وکیل باشید وکیل شیمه نیستید  
**شوشتری** - همه مسلمانند این اختلاف را  
 بنده ازید  
**فراموشی** - وکیل اکثریت حوزه خودم هستم  
**نایب رئیس** - آقای فراموشی منی میکنم آقای  
 شوشتری منی میکنم صحبت نکنید  
**دکتر مهدیق** - بلی صحبت این بود که باید  
 اعتبارنامه را ملت بدهد (صحیح است) اگر اعتبار  
 نامه را ملت داد آنوقت ما میرویم دنبال ملت  
 (شوشتری - با این حرف همه موافقتند) و الا  
 بریشان میخندند  
 حالا یک حرف ممکنست شما بگویند و آن اینکه  
 بگویند ملت نمیفهمد ۰ بله ممکن است این حرف  
 را بزنید (شوشتری - العیاذ بالله) خوب اگر می  
 فهمد او حق و حساب و صلاح خودش را بهتر تشخیص  
 میدهد (شوشتری - صحیح است) خوب پس با ما  
 موافقت و هیچ اختلافی نیست ما که باهم قوم و خویش  
 هم که هستیم زیر امانت من سیداست  
 هراض من در پیشگاه اعلیحضرت شاهنشاهی  
 حسن اثر کرد و تا یک مدتی حقیقتاً وضعیت همین  
 طور بود تا اینکه یک روزی در این مجلس آقای  
 سرتیپ هدایت بودجه فشنوی بالا به اعتباری برای  
 ارتش را آوردند و مطرح کردند ایشان برخاستند  
 و یک مذاکراتی کردند و گفتند البته باید اینها به  
 عرض اعلیحضرت همایونی برسد و چنین و چنان از

مجلس میآورند -  
 ما در مرز های خود به این خرج احتیاج نداریم  
 اگر روابط ما عادی است افراد فعلی پس است  
 و چنانچه عادی نتوانست روابط غیر عادی بشود با هر  
 نوعی مقاومت غیر میراست بنا بر این درخواست  
 این اعتبار فقط برای پر کردن جیب آتهائی است  
 که تا کتون لز مال این مردم بدبخت صاحب ملیون  
 ما ثروت شده اند  
 لایحه دیگری که برای تهیه مقدمات ورشکست  
 است  
 این هم هیچ فرد وطن پرستی نمیتواند موافقت  
 کند چون وقت اجازه نیمه صوب این قبیل لوايح  
 و خرج هم و تأخیر آنرا در اقدام اساسی اقتصادیات



در روز چهارم من خدیوم مراسم ما مورد توجه واقع نشد عده ای از آقایان آمدند منزل من که من هیچ از نظرشان اطلاع نداشتم و گفتند برویم دربار قرار شد اجازه بگیریم و بعد برویم جناب آقای بکرانی حاضرند که آن روز بنا اجازه داده نشد برای آن روز یک عده سید چهارصد نفری در منزل من جمع شدند بدون اجازه و بدستجات مختلف رقیب تا حضور نکنند نظر سوشی داریم و معلوم شود که مطالبی داریم و میخواهم عرض برسانم البته آنوقت یک نظریات سیاسی بود که قوام اقتداری داشت و خیلی مؤثر بود و ما پذیرائی نشدیم و فرار این بود که همکار باشیم متحد باشیم تا همه بهند که یک عده ای در این مملکت با آن انتخابات مخالفند ولی بعد از چند روز آقا بدربار رفتند و گفتند که چون رزم آراه گفت رفته (وزیر کشور - تکذیب میکنم) آقا پس بجه دلیل رفتند (وزیر کشور - شما هم رفته) من کی رفته؟ من رفته تا آخر هم نرفته من حتی روز ۱۰ بهن هم بهین دلیل نرفته بله آقا شما تشریف بردید در پاریس ما بایستی آقا حرفی که میزنیم کاری میکنیم در این کار بایستم این گویا حدیث نبوی باشد که میفرمایند (بعضی از نمایندگان - قدری بلندتر بفرمائید) بله آقا گویا حدیث نبوی باشد که میفرماید قم فاستقم (امامی خوئی - قرآن است) بله بنده که مثل شما آیت الله زاده نیستم (شوشتری - قم فاستقم که امرت)

**نماینده گان** - رای بگیرد رای میدهم. رای گیری - اجازه بفرمائید بتوان اینک یک استثنائی یک اجازه منی است بنده رای میگیرم والا ماده نظامنامه قابل تغییر نیست. (نماینده گان - رای بگیرد) آقایان که موافقت با ادامه نطق آقای دکتر قیام کنند (عموم نمایندگان برخاستند) تصویب شد که رای دادند.

اعتبارنامه حاج آقا در یکی از شب مجلس مطرح شده بود مخالفین او دست طباطبائی و حاجی میرزا علی محمد دولت آبادی نیخواستند اعتبارنامه اش تصویب شود و او را متهم کردند که انتخابش روی تطبیح شده است و یکی از اعضاء مجلس را که اسم نمی برم برای شهادت در شعبه دعوت کردند و از او پرسیدند شما که منزل حاج آقا رفیقید در لیست او اسم چه اشخاصی نوشته شده بود.

با اینکه من چند سال در اروپا تحصیل میکردم و چند ماه پیش از ورود من به تهران انتخابات شروع شده بود در شعبه گفت یکی از کاندیدهای حاج آقا مصدق السلطنه بود آنوقت بنده دکتر مصدق نبودم مصدق السلطنه بودم شب هنگامی که روزنامه شورای ارکان حزب اعتدال بمن رسید دیدیم که نوشته اند مصدق السلطنه کاندید حاج آقا بوده و من خیلی اوقاتم تلخ شد بجان همه آقایان تب کردم افتادم و الهام گفت تو را چه میشود گفت تب کرده ام چند سال در این مملکت نبودم و از همه جا بیخبرم حاج آقا را میخواهند بعنوان رشوه ردش کنند نوشته اند که من هم کاندیدای او بوده ام. گفت ای آقا اگر تو اینقدر نازک نارنجی بودی چرا دکترین حقوق شدی؟ میخواستی بروی طبیب شوی دکتر حقوق هر که بشود اگر در ریاست دخالت بکند در این مملکت باید نقش بخورد اگر نقش نخورد ویوستش کلفت نشود فائده ای ندارد دکتر نیست (شوشتری - دعای مادر هم مستجاب میشود) بله عرض کنم که خیلی نقش خوردم و برای خیر مملکت تمام را تحمل کردم یکی از دوستانم که ششمن کسالت دارم ناخوش هستم آموگفت که شنیدم شتاب کرده بودید گفت بله گفت چرا؟ گفتم باین دلیل گفت هر وقت که بشما هم مردم نقش دادند آنوقت بفرمودم میفرمود یعنی هر وقت به بنده نقش بدهند و بنده هم بیچاره بشوم و مرا کسی نخواهد آنوقت بفرمود میفرمود برای اینکه اگر اشخاصی در این دادسرا پرونده نداشته باشند از هر کسی اطاعت نمیکند یک امری بایشان میدهند اگر اجرا کردند وظیفه خود را انجام داده اند و اگر نکردند پرونده امر را بر جریان میاندازند تا کسی جرئت نکند متدرد شود.

بنده میخواهم اینرا عرض کنم که ما که خیر خواه شاه هستیم باید برای شاه ایجاد معیوبیت کنیم (صحیح است) باید شاه را در این مملکت بشتری محبوب بکنیم بشتری از شاه ترمیز بکنیم بشتری از شاه تقویت بکنیم که بایک واقعه شاه فرار نکند همین و الا دیگر باقیش را نمیخواهم عرض کنم و بیشگاه شاهنشاه هم عرض میکنم اگر مورد پشتیبانی مردم شده سلطنت دوام

میکند ولی اگر شاه پشتیبانی نداشت آنوقت برای این سلطنت بنده روز خوب نمی بینم. بنابراین شاه باید ببیند که مردم چه میگویند و چه میخواهند اگر مردم میخواهند که قانون اساسی تغییر بکند شاه هم تغییر بدهد قانون اساسی مال مردم است قانون اساسی روابط مردم را بدولت تعیین میکند و از حقوق عمومی است اگر مردم خواستند که قانون اساسی تغییر بکنند شاهنشاه هم باید رضایت بدهند. یکی از چیزهایی که قانون اساسی دارد تضمین سلطنت در خانواده پهلوی است اگر بنا بشود قانون اساسی با هر عملی با هر فکری یا هر مجلس مؤسسان قلابی تغییر بکنند آنوقت شما سلطنت را در خانواده پهلوی چطور تضمین میکنید؟ بنابراین نظر بنده اینست که هر وقت قانون اساسی باید تغییر بکند باید با مردم بطور آزاد مشورت کرد نه اینکه در تهران ۱۸۰ هزار رأی از سوراخ گنبد مسجد سه سالار وارد صندوق کنند و یک عده انتخاب شوند از ولایات هم دولت سید نفر بهین صورت بیاورد و مجلس مؤسسان را تشکیل و قانون اساسی را تغییر بدهند.

این مجلس مؤسسان قلابی است و ملت ایران زیر بار این مجلس مؤسسان نخواهد رفت بفرمان آنکه شاهم بگویند مجلس مؤسسان این قانون را تغییر داده قانونی که مخالف میل مردم باشد قانون نیست قرآن هم که کتاب آسمانی است آیات منسوخه دارد که بنابه مصلحت نسخ شده است (شوشتری - نسخی کمال است) (فرامرزی مانع من آیه او نسخها نات بفرمائید) جناب آقای شوشتری شما تمام آیات قرآن را اجرا میکنید؟ (فرامرزی همه اش را اجرا نمیکند) (شوشتری - اما فسق کردن شیراز اجر است البته هر کس تمام را عمل کند که معصوم است) قانون اساسی را باید مردم از روی میل و رقت قبول بکنند حالا شما میگویید ملاحظه کنید

این مجلس مؤسسان قلابی است و ملت ایران زیر بار این مجلس مؤسسان نخواهد رفت بفرمان آنکه شاهم بگویند مجلس مؤسسان این قانون را تغییر داده قانونی که مخالف میل مردم باشد قانون نیست قرآن هم که کتاب آسمانی است آیات منسوخه دارد که بنابه مصلحت نسخ شده است (شوشتری - نسخی کمال است) (فرامرزی مانع من آیه او نسخها نات بفرمائید) جناب آقای شوشتری شما تمام آیات قرآن را اجرا میکنید؟ (فرامرزی همه اش را اجرا نمیکند) (شوشتری - اما فسق کردن شیراز اجر است البته هر کس تمام را عمل کند که معصوم است) قانون اساسی را باید مردم از روی میل و رقت قبول بکنند حالا شما میگویید ملاحظه کنید

چگونه مخالف هستند من فردا دعوت میکنم اهل این شهر را و میگویم هر کس بانه دید نظر در قانون اساسی موافق است بیاید در مجلس و هر کس مخالف است برود مسجد و شما خواهید دید در مسجد مجد یکتفر نمیروند مگر اینکه آنرا هم از اسکی بیاورند (خنه نمایندگان)

بنده یک چیزی یادداشت کردم والان که بان رسیدم می بینم صلاح مملکت نیست و چیزی را که صلاح مملکت نباشد بهیچ وجه حاضر نیستم عرض کنم در این قسمت که ۱۰۰ برک یادداشت کرده ام از این قسمت صرف نظر میکنم (احسن)

حالا ببینیم که دربار چه صورتی هست؟ آنهایی که میل دارند در سیاست این مملکت دخالت کنند نهراً هر میدانند و خدا شاهد است که من آنچه حقیقت داشت باشد میگویم و از کسی نمیترم من اول بنام ملت ایران و از طرف نمایندگان مجلس شورای ملی از والا حضرت شمس پهلوی تشکر میکنم بجهت اینکه والا حضرت شمس پهلوی یکی از اشخاص این دو دمان است که بهیچوجه در سیاست این مملکت دخالت نمی کند (صحیح است) این والا حضرت میخواهد در رأس هر و خورشید سرخ واقع شود مثل تمام بانوان خیر

خواه دنیا برای مردمان بدبخت و بیچاره تحمل زحمت بکنند بسیار خوشوقت اما یک والا حضرت دیگری دیگری هم در دربار هست که حالا اسم نمیبرم و در سیاست دخالت میکنند این والا حضرت بجهت ترتیب دخالت می کند والا خیلی صاحب نفوذ هستند هیچ تردیدی نیست وسایل دیگری هم هست از آنجمله یکی که در انتخابات ادوار تقنینیه دخالت کرده و بنده بهین جهت با او مخالفم توصیه میکنم و اخصاس و کبل میشوند و این اشخاص که باین صورت و کبل میشوند برای ایشان شمشیر میزنند اگر بگویم که روزی با والا حضرت مذاکراتی کردم و این عرابی که عرض میکنم در آن مذاکرات است هیچ تکذیب نفرمائید و من صلاح ندیدم آنچه مذاکره شده در اینجا عرض کنم پس یک وسیله دخالت این است که در مجلس کسانی را دارند و خودشان هم در دربار هستند.

وسیله دوم سازمان خدمات اجتماعی است یعنی دولت چند ملیون تومان را باختیار والا حضرت گذاشته و یکمده که در سازمان خدمات شاهنشاهی هستند و از این پول استفاده میکنند اینها هم شمشیر میزنند و سرشان هم جای دیگر بنداست.

از سازمان خدمات اجتماعی اگر مقصود بهداری است که ما دو خرج در این مملکت بکنیم یکی وزارت بهداری و دیگری سازمان خدمات شاهنشاهی و جوهی که باین سازمان داده میشود بازرسش کی است آقای وزیر مالیه شما تاکنون بازرسی کرده اید (وزیر دارائی - نه) آیا سابقین شما بازرسی کرده اند (وزیر دارائی - چه عرض کنم) استدعا میکنم محافظه کاری نفرمائید بفرمائید که بازرسی نکرده اند (وزیر دارائی - تابع قانون محاسبات عمومی نیست تابع مقررات خاصی است) و بعد مالفی هم از لاطار و این جور چیزها تهیه میشود که شخصی میگفت این کار خیری که باقمار پیش برود اولش که این باشد آخرش چه میشود.

خوب است که تمام ماسهی و جدیدها بکار برود که وزارت بهداری درست شود وقتی وزارت بهداری درست شد مثل اینکه میخواهم بجناب آقای منصور هم عرض کنم که شما سبستان را بکار برید که این سازمان برنامه هم برود جزو وزارتخانهها و برای مملکت دو خرج ایجاد نشود شما نقشه بدهید آنها کار بکنند و شما نظارت کنید.

شما میخواهید کار بکنید ما از شما تشکر میکنیم این بودجه برنامه را بنگارید برود جزء وزارتخانهها نقشه بدهید و تقشیش بکنید. زحمانی را که والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی تحمل کرده اند منکر نمی شوم ایشان تمام اوقات خودشان را صرف خیر مردم میکنند و واقفاً میخواهند معیوبیت فوق العاده در جامعه پیدا بکنند ولی عرض میکنم که این يك راه غلطی است که میروند والا حضرت باید سعی خودشان جدید خودشان را بکار ببرند که وزارت بهداری درست شود اگر وزارت بهداری درست شود خرج یکی میشود تقشیش بکنید بازرس بفرستید و وضعیتی درست کنید که بدبختی مردم کم بشود والا ایجاد چند دره انگاه کاری درست نشود.

من یارسال از آقای دکتر اقبال يك مقدماری گنه گنه خواستم برای زارمین بشیرم پول هم دادم ایشان گفتند حالا که شما گنه گنه میفرید یکمقداری هم ما بشما از طرف بهداری مجانی میدهم که بفرمای آنحدود داده شود من اطمینان بشامور خود ندارم و خواهش میکنم شما اینکار را قبول کنید زائد است عرض کنم که نوکر رئیس بهداری میامد و از من گنه گنه میگرفت خوب.

دستگاه دیگری متنفذ در مجلس از کان حرب است معروف است کسی در بین جماعتی گفت مال مرا دزد برده است از بین آنها یکی گفت من نبرده ام گفتند چه شد که در بین جمعیت شما يك نفر این حرف را زدید.

بنده میخواهم بگویم در این مجلس اشخاصی هستند که با نظر ارکان حرب کل انتخاب شده اند و در این مجلس اشخاصی هستند که تبعیت از نظریه ارکان حرب کل میکنند بنده عرض میکنم که ارکان حرب کل حق ندارد در انتخابات دخالت بکند و ارکان حرب کل در انتخابات تهران دکالت کرد سر تیب صفاری بدستور ارکان حرب کل عمل مینمود وقتی که دیدند مردم تهران بیدارند و از بازداشت دکالت بقائی نتیجه ای که میخواهند نگرفتند مجبور شدند که او را بردارند و آقای سر لشکر زاهدی را بگذارند.

چند روز قبل از این بجناب آقای نخست وزیر عرض کردم که رئیس شهربانی را تغییر ندهید نظر خاصی ندارم فقط میخواهم باین مجلس که میآئیم بتوانیم در خیر مملکت اظهار عقیده کنیم و از پرونده سازی شهربانی نگران نباشیم اکنون که موازنه ای بین شهربانی و ارکان حرب پیدا شده و رئیس شهربانی بواسطه شخصیتی که دارد از ارکان حرب تبعیت نمیکند حیف است که رئیس شهربانی را تغییر دهید.

ارکان حرب کل میخواهد گزارشش که در گن دوم بدهد شهربانی هم با آن موافقت بکند که این گزارش که وقت این گزارش از دوجا تأیید شده یکی از ارکان حرب کل و یکی هم از شهربانی و تاکنون رئیس شهربانی زیر این بار نرفته چنانچه این کار را بکنید موازنه بر برهم میفرودد حالا شما بفرمائید ببینم دلیل اینکه می خواهید رئیس شهربانی را عوض بکنید چیست؟ اگر تقصیری صورت بفرمائید چیست و او را تعقیب و معاکه کنید و اگر رئیس شهر بانی را تغییر میدید رئیس ارکان حرب را هم که چند سال است در همه جا نفوذ پیدا کرده و تا درجه که حتی میخواست در شخص منم اعمال نفوذ کند تغییر دهید.

در یازدهم بهمن که بنده حضور اعلیحضرت همایونی شرفیاب نشدم عده زیادی آمدند پیش من گفتند که چرا نیروی گفتم نیروم برای اینکه بنده رفته حضور اعلیحضرت بنده را نپذیرفتند و بنده هم نیروم آنوقت بيك کسی بیغام میدهند که خیلی طرف توجه من بود گفت که روزم آرا میگوید شما چرا نیروم خانه شاه من گفتم رزم آرا بوجه حق این حرف را میزنند بنده میخواهم بروم توجه فرمودید این مرکزیت بر

خلاف مصالح مملکت است. یکی از روزها راجع باوضاع مملکت با مرحوم مشیرالدوله صحبت میکردم از اینکوستد اهل رئیس نظریه رفته بود و سر تیب محمد در گامی يك صاحب منصب ایرانی قائم مقام او شده بود من اظهار خوشوقتی نمودم فرمود شما اشتباه میکنید موقعی که دست اهل بود من بایرانی اعتماد نداشتم اما حالا چون بایرانی ما اعتماد دارم و دست اهل رفته دیدم صحیح است.

قبل از اینکه دکترمیلیسوی برود دیدیم که وزرا آمدند بر علیه او در مجلس صحبتها می کردند و بعضی اشخاص میگفتند اگر دکترمیلیسوی برود وضعیت مملکت بهم می خورد و بکار مندان بجای پول آجر میدهند.

من میگفتم این حرفها را نزدیک از دکترمیلیسوی قوه ای حمایت میکند که اگر از دیگران نمود وضعیت بهم نمی خورد مرحوم نصرت الدوله وزیر مالیه بود و مرحوم فرمانفرما میگفت پس من که نمیتواند خانه خود را اداره کند چطور میتواند که مالیه را اداره کند و همه دیدند که بعد از میلیسوی نصرت الدوله هم مالیه را اداره کرد.

روزی از من در کمیسیون مالیه مجلس دعوت کرده بودند که نظر خود را در خصوص لایحه مالیاتی املاک مزروعی اظهار کنم و لایحه مالیاتی سه و نیم در صد مطرح شده بود که میخواستند از کل محصول ۳ و نیم در صد مالیات بگیرند و من مخالف بودم برای اینکه مرسوم این است که محصول را پنج قسمت میکنند و برای آب و زمین زارع کاو بیشتر هر کدام سهی معین میکنند نظرم این بود که بر طبق معمول حق زارع و کاو و پدر را از محصول موضوع کنند و از آنچه میماند که عایدات خالص مالک باشد یعنی از سهم آب و خاک مالیات مطالبه کنند.

کلنل ماگور ماک یکی از مستشاران آمریکائی آلمان اصرار داشت که مالیات همان ۳ و نیم درصد حتماً تصویب شود و من میگفتم که این مالیات را چگونه میتوان تعیین و وصول کرد در جواب میگفتند که خدا می داند ما مأمور وصول مالیات میکنیم در مقابل این سؤال که کدام کسندانی میتواند مالیات را تعیین و معیانا هم آنرا وصول کند میگفتند که کسند یا شخص دیگری که بتواند مأموریت خود را انجام دهد حقوق میدهم و نتیجه این میشد که مقدار قبلی از یکسکه مالیات بگیرند و مقدار کثیری حقوق بدهند و آقای تقی زاده هم با اینکه از همکاران صبیبی من بودند از عقیده کلنل ماگور ماک پشتیبانی مینمود.

از مجلس بمنزل مرحوم آیت الله حاج امام جمعه خوئی رفته و در آنجا صحبت از مذاکرات کمیسیون بیان آمد و من گفتم که خیلی تعجب است که آقای تقی زاده با نظر من موافقت ننمود آیت الله فرمود ایشان در عرض خود يك چارک جو باسب نداده شاه چطور بنده میخواهم در کار مالیه نظریات صحیح اظهار کنند



برای آزادی انتخابات اول پناه پسر تاجدار یعنی اعلیحضرت مایوسنی شاهنشاهی متعین شویم اگر نپذیرفتند از آنجا مسجد مجد خانه خدا برویم .

دولت تصمصیم گرفت جلوی بکنند و شهر بانی هم اعلامیه ای داد که بکده ای ماجرا جو میخواهند. بدر بار برود یک ساعت قبل از حرکت سر هک سیاسی آمد و ما را تهدید نمود و گفت شما میخواهید در خیابان خون جاری بشود گفتم برو بی کارت ما کاری با تو نداریم وقتی گرفت از مردم خواست کردیم که از کسی صدا بلند نشود و همه دیدند بغیر از صدای گفتش از خیابان کاخ صدائی شنیده نشد .

اما کسیرا تعریک کرده بودند که اسمش فراموش کرده ام ( معصی - لارودی ) بلی این لارودی را تعریک کرده بودند در کاخ سلطنتی یک مرتبه صدا داد و بهداد کرد دکتر مصدق باید شاه بشود گفتم بزیند اینرا مردم خواستند بزیند خفهاش بکنند گفتم خفهاش نکشید بدهید بدست شهربانی او را بردند در کلانتری و گفتند چون دیوانه بود بدارالمجانین فرستاده اند و معلوم نشد کدام طبیب قانونی جنون او را تشخیص داده است وقتی که در مرکز مملکت با ما اینطور رفتار کنند عدم رضایت قاطبه اهل مملکت در این دستگاه تعجب ندارد شهربانی میخواست بلوا بکند میخواست یک رنگ سیاسی روی ما بگذارد همین آدم چند روز بعد آمد در خانه من که احتیاج بوجه دارم وجهی بدهید گفتم آقا وجهی ندارم که بشما بدهم این بود مطالب بنده که بر عرض رسید .

**فرامرزی** - بنده یک اخطار دارم دو کلمه راجع به بیان آقای دکتر مصدق که فرمودند وکیل شبعه نیستی میخواستم عرض کنم .

**دکتر شایگان** - گفتند وکیل شیره نیستی در تهران شیره میدادند .

**نایب رئیس** - آقای نخست وزیر .

**نخست وزیر** - بیانات آقای دکتر مصدق بعنوان قبل از دستور البته الزامی نمیکرد که جوابی عرض بشود بندهم هیچ قصد ندارم که در مقام سؤال و جواب در این مورد یاد در آن کلیاتی که ایشان فرموده اند باشم بخصوص که تمام اظهاراتشان قسمت عمده در کلیات بود و بنظور اظهار یک درد هائی و رفع یک نواقصی و طرق اصلاح همین طور که خودشان فرمودند از ابتدای کار یعنی از ابتدا که این دولت تعیین شد و ایشان تشریف آوردند بنجلس باید عهد از رفتار صحبت هائی شد البته برای اینکه همه اوضاع مملکت را مبدیدند و می بینند و احتیاجات و اشکالات را در مد نظر دارند خصوصاً کسی مثل جناب آقای دکتر مصدق که ابتدا در خط زندگانی اجتماعی بودند و رویه شان همیشه خیر خواهی بوده است البته دولت کمال حسن استقبال را کرد نسبت باظهارات ایشان که فرمودند قصد همکاری دارند و تشریک مساعی برای انجام یک رشته خدمات مثبت بغیر اصلاح مملکت این هین منظور

دولت بود نیت پاک اعلیحضرت مایوسنی که همه تصدیق دارند که همیشه ایشان جز خیر و صلاح مملکت و سعادت و ترفی مملکت چیزی را نخواستند و نمی خواهند ( صحیح است ) بنا بر این یک امر خیلی طبیعی بود که بایستی استقبال بشود در یک همچو موامنی که مملکت یک دوره طولانی بحران را گذرانده است بلبل و جهات مختلف و همیشه در پیچ و تاب بوده است و در تزلزل و توجوم مشکلات یک میزان فوق العاده ای رسیده است که مقتضی است باینکه نظریات خیر خواهانه و صائب و مافلانهای حل و فصل بشود و این گره ها باز شود و کار مردم و زندگانی اجتماعی مملکت بحریان بیفتد جز این راهی نداشت که حقیقه همه باید همکاری بکنند ( صحیح است ) اختلاف سلیقه و اختلاف نظریه را کنار بگذارند ( صحیح است ) هر کس که حاضر شد برای نیت پاک بکنند از آقایان نمایندگان باو زور را بکنند این امور چه فرقی میکند همه اینها مأمور خدمت هستند باین مملکت وقتی می توانند در اینطور مواقع خدمتی انجام بدهند که اتحاد و اتفاق باشد و اتفاق و اختلاف در میان نباشد ( صحیح است ) بجهت اینکه مطلب مهم است و بار سنگین است مشکلات زیاد است و شاید باینکه جریاناتی هم این مشکلات هر روز ممکن است که سنگین تر شود باین جهت بنده خودم باجناب آقای دکتر تماس گرفتم و مذاکرات و تبادل نظریاتی کردم و شاید اغلب آقایان هم مطلع باشند چیز محرمانه ای که نبود تبادل نظر بود برای ایجاد رویه ای بجهت انجام وظایف دولت البته کمال احتیاج را دارد به همراهی همکاری مجلس شورای ملی و مجلس سنا مخصوصاً با اشخاصی که سوابق و تجربیاتی دارند و واقف بامور هستند از این نقطه نظر ایشان وارد صحبت شدند ما هم استقبال کردیم نیت و نظر اعلیحضرت مایوسنی هم کاملاً بطور متوجه بود که این همکاری فراهم بیاید و شروع هم شد و امیدوارم الان هم باشد بجهت این که هیچ دلیلی ندارد که نباشد البته ایشان نظریاتی داشتند و فرمودند راجع بیک لوائی که مقدم باشد قبول شد لایحه اصلاح قانون انتخابات لایحه ای راجع بطرز معاکه مطبوعاتی قبول شد موافقت فرمودند . اگر چه اصلاح بعضی از مواد قانون اساسی جلو بود بر طبق تصمصیم مجلس مؤسسان ( حاشی زاده - آن مؤسسان غلط بود ) ولی همین طور توافق شد حالا که این کار زود بلافاصله نشده است خیلی خوب برای حصول موافقت نظر و احتراز هر گونه اختلاف نظری موافقت شد همین طور هم جریان پیدا کرد گمان میکنم دولت هم در این زمینه بوظیفه خودش عمل کرده است باین جهت می خواهم عرض کنم که نظر و نیت جز این نبود و راجع بنظریات و نیت اعلیحضرت هم در طرز جریان امور و اقدامات اصلاحی برای مملکت که نه ایشان تردیدی دارند و نه هیچکس و این یک امر بدیهی است و عمل ایشان و اظهارات ایشان و عقاید ایشان که در موارد مختلف ابراز شده است و اظهار شده است بخوبی نشان میدهد که نیت ایشان خیر و صلاح است البته نیت

مجلس شورای ملی هم همین طور خدمت بسملکت است ردولی هم که مأمور خدمت شده است جز این نمیتواند راهی داشته باشد و خصوصاً که ما هم روحاً و اخلاقاً جز این فکری نمی توانیم بکنیم خوب در جریان امور نظریات مختلفی هم ممکن است پیش بیاید اینها بهیچوجه نباید مانع امور اساسی باشد در این مطالب همیشه میشود صحبت کرد تبادل نظر کرد رفع کرد و بالاخره یک مشکلاتی را با اقتضای موقع فهمید و تسجید از بعضی ها احتراز کرد و نسبت بعضی ها یک فدری اغماض کرد تا این که بالاخره آن راهی که رو به هدف و مقصود می رود طی بشود و بی جهت کار متوقف نماند همه سعی ما این بوده است و حالاً نسبت بآن مسائلی که مورد نظر است و اظهاراتی فرمودند البته این بطور کلی است و نسبت ببعضی قسمت ها اگر بنای بحث باشد باید رسیدگی کرد و بنده هم از بحث جزئیات می خواهم احتراز بکنم بجهت اینکه مقصود مباحثه نیست مقصود اینست که نسبت بتمام نظریات و عقاید اصلاحی ما کاملاً موافقیم و ما ضریم که انجام بکنیم سعی بکنیم که اگر نواقصی و معایبی هم هست اصلاح بشود و ضمناً از مشی و از سیر در طریق حصول به هدف هم باز نمانیم و بهیچوجه تشنج و تشتی پیش نیاید در خصوص رعایت آزادی که محتاج بهیچگونه اظهاری نیست بنظر بنده مجلس شورای ملی در این دوره از وقتی که تشکیل شده است باعضویت آقایان محترم ( جریان انتخابات که در دوره ما نبوده یعنی در زمان این دولت نبوده بنده از جریانش اطلاعی ندارم ) ( آزاد - از دکتر اقبال پرسید ) ولی آنچه کمیدانم در قسمت انجام وظایف شان در مجلس شورای ملی در این دوره از ابتدا بهیچوجه عائق و مانعی نداشته اند اظهارات شان را کرده اند بحث ها هر چه بوده است و مقتضی دانسته اند باکمال آزادی اقدام کرده اند و بنا بر این از حیث تأمین آزادی در مجلس شورای ملی بهیچوجه جای نگرانی نیست و گمان میکنم این هم بهیچوجه محتاج باقامه دلیل و مدرک نباشد جریان مذاکرات و اظهار عقاید در مجلس شورای ملی بخوبی نشان میدهد و مسلم است که نیت کار مملکت ما و دولت ما هم همین آزادی و دمکراسی است و باید روز بروز تحکیم بشود و امیدواریم که این اساس روز بروز تحکیم بشود و اگر انتخابات هم یک قدری عیب و نقص داشته باید تصدیق کرد ناشی از نارسائی قانون بوده و عدم تطبیق با احتیاجات و بالاخره همین نکته تشخیص داده شد تشخیص همین نکته بود که برای انتخابات یک لایحه جدیدی تنظیم شد و تقدیم مجلس شد و امیدواریم که بعد از اشکالاتی که ناشی از قانون انتخابات بود پیش نیاید ( نمایندگان - انشاء الله ) اما راجع بطرز طرح مسائل در مجلس شورای ملی که آقای دکتر یک نکته ای فرمودند اتفاقاً این نکته کاملاً در نظر گرفته شده و سعی میشد که بوقوع اجرا گذاشته بشود البته بهترین طریق اینست که نسبت بلوایح و نظریاتی که باید از طرف دولت تقدیم مجلس شود قبلاً بایستی تبادل نظر و شور و شور بشود با فراکسیونهای مجلس و بعد از آنکه زمینه حاضر شد بمجلس تقدیم بشود که اینجا دیگر زیاد بحث در جزئیات نباشد و جریان سریعتر

بنده که میگویم یک کسی بن نوشته است که کسالت دارد این را که بنیشتوندر کسالت دارن و عضویت در مجلس سنا هم دارند ( صحیح است ) با شافل بودن یک شغل اداری مسئولیت دارن بشود ( صحیح است ) حالا میفرمائید که یک دلالت دیگری هم داشته آنها راه می بینیم که بچه کبلیتی بوده ( دکتر بیانی - سپید رزم آراه هم کسالت دارد ایشان راهم بر کنار کنبد ) ( مکی - زورشان نمیرسد ) بنده مقصود اظهار حقیقت است که این دلایل بوده راجع بلایحه ای که فرمودند برای اعتبار قوای مرزی بمجلس خواهد آمد بنده در نظر ندارم که لایحه ای در این موضوع تهیه کرده باشم و بخوام بیارم اعتباراتی که برای قوای تأمینیه و سایر احتیاجات مملکتی لازم بوده در بودجه منظور شده است وقت هم شده که آنچه که لازم است برقرار باشد آنچه که غیر لازم است حذف بشود البته وضع بودجه ما هم بنظر آقایان میرسد لایحه اش تقدیم شده است در موقع طرح بودجه نظریاتی اگر هست اظهار میشود مطالعه و بحث میشود تکلیف کارها معلوم میشود ولی از این که ما قوای تأمینیه کافی لازم داریم تردیدی نیست ( صحیح است ) مقصود دیگری نیست همینطور که آقای دکتر فرمودند قوای مملکت صد هزار نفر ۱۰۰ هزار نفر با وضع امروز دنیا چیز مهمی نیست که تمبیری بشود که یک مقصودی در آن است از تشکیل قوای تأمینیه ماقط منظور داریم حفظ امنیت داخلی مان و مرزمان را برای اتفاقات هادی و جاری تأمین بکنیم و این را هم نباید منکر شد که بدون یک همچو قوه ای ما هر آتی ممکن است متزلزل باشیم ( صحیح است ) ما قصدی نداریم و نمیخواهیم از این قوه استفاده جو رد دیگری بکنیم ولی باین حدم نمیشود منکر شد که لزوم دارد حالا اعتبار و خرجش هم در بودجه هست آقایان نظر میدهند بحث میشود دعا نداریم .

راجع بلایحه انتشار اسکناس فرمودند این لایحه سابقه یک مقدماتی در مجلس دارد و مذاکره شده بود ولی یاد ندارم که بمجلس هم پیشنهاد شده بود یا نه ( حازقی - نشده بود ) نمیدانم یاد ندارم بهر حال تبادل نظر میشد و بی تکلیف ماند ولی این یک بحث اقتصادی و فنی دارد نمیشود بطور کلی گفت نه و همینطور بطور کلی نمیشود گفت بلی ، متخصصین و اقتصاد یون هم نظریات مختلفی در این باب دارند یک دلایلی هست برای اینکه لازم است برای اینکه مملکتی که میخواهد کارهای عمرانی و تولیدی خودش را بحریان بیندازد خودش را از فقر و از عصر اقتصاد در بیارود اولش باید پول بتناسب حجم کار داشته باشد این یک امر کلی و بدیهی است که اصل اقتصاد است حالا باید پول را موازنه داد تطبیق داد با حجم کارها اینکه در نظر است البته نمیشود گفت که ما چقدر اسکناس زیاد بکنیم و تا وقتی که درست مطالعه نشود وقت نشود برای چه می خواهم

اسکناس را که ما نمیخواهیم زیاد بکنیم تا حقوق ادارات را از این محل بسیم آن حرام است مطلقاً نباید داده شود اما اگر اسکناس لازم داشته باشیم ظن



سفرای بیندیم یا فلان ممدن را استخراج بکنیم یا فلان ناحیه را که استعداد دارد و ثروت مملکت را زیاد می کند آباد بکنیم و باین قبیل کارها دست بزنیم و نداشته باشیم البته باید تأمین بکنیم بجهت اینکه اگر ما از خارج هم بخواهیم اعتبار بگیریم یکمقدار زیادیش مربوط میشود بهمن وضیعت پولمان بجهت اینکه اعتبار خارجی همه اش که بصورت پول نقد در نیاید به صورت جنس می آید و باید برای بکار انداختن آن جنس باندازه ای که مصارف معلی لازم داشته باشد ما پول داشته باشیم البته این یک مختصری است که بنده راجع به این موضوع عرض میکنم و قتیکه مطلب مورد بحث و مطالعه در آمد آنوقت تکلیفش را معلوم بفرمائید لازم است میشود لازم نیست نمیشود راجع به موضوع برنامه فرمودند موضوع برنامه یک مسئله روز شده است (صحیح است) و همه در باب برنامه حرف میزنند و بنده امیدوارم بزودی اینکار تازه شروع شده است و یکتقدیری موضوعش برای اغلب مردم مبهم است البته بعضی ها کاملاً ملتفت هستند بسیاری از مردم هستند که یک اندازه ای باشتابه میافتنند قصد و غرضی ندارند ولی باشتابه میافتنند بعضیها هستند که ممکن است نظر نداشته باشند به پیشرفت این حصار انشاء الله عده اینها خیلی کم است ولی هسته برنامه یک اساس عمرانی و اصلاحی برای تمام مملکت اگر انشاء الله بتوانیم این اساس را نگه داریم و نواقص و معایبی هم که در دوره اول عملش دارد رفع بکنیم برای آینده ضامن ترقی این مملکت است بنده نمی گویم که یک اساس بدی را باید نگه داریم من میگویم که یک اساسی اگر موضوعش خوب است در ضمن عمل باید نواقصش رفع بشود و اما اینکه چرا جزو وزارت خاها نیست از سه چهار سال قبل که صحبت یک برنامه اصلاحی در مملکت شد همان وقت همین فکریش آمده بود که تشکیلات اداری و وزارتخانه ها و دستگاههای ما هنوز قادر نیستند و آن تجهیزات و وسائل برایشان فراهم نیست که بتوانند این برنامه ها را جدا جدا هر کدام در قسمت خودشان انجام بدهند و بملایم این برنامه ای که می گوئیم زیاد است و تشکیل میشود از رشته های بسیار مختلف و متعدد که باید آنها هم آهنگ و متوازن با همدیگر پیشرفت بکنند باین جهت معتقد شدند که این برنامه بکلی بارشته های مختلفش در یک مرکز تمرکز داده بشود و باین جهت بود که توی وزارتخانه ها نگذاشتند ولی در همین حال بعد از اینکه برنامه صورت تشکیل پیدا کرد ترتیب ارتباط با وزارتخانه ها هم داده شده است که قسمتهای اجرائی با وزارت خانه ها باشد که دستگاه اداری دارند و قسمتهای فنی و

نقشه ها و طرح ها که باید با نظر متخصصین تهیه بشود در سازمان برنامه مترکز باشد که مشاورین دارد و متخصصین دارد و از اعتبارات برنامه هم که مطابق قانون که در مجلس تصویب شده است خرج آن کار بشود بنده میدانم که همه آقایان انتظارات زیاد از برنامه دارند و بواسطه اینکه در دوره ای که گذشته است چون کاری نشده است یکتقدیری بی حوصله ای میشود و مردم هم حق دارند که بی صبری بکنند ولی کار برنامه هم کاری نیست که بشود نوری ازش نتیجه بگیرند طرح است و نقشه است و جزئیات که همه اینها مستلزم یک مطالعاتی است و بالاخره یک اقدام مستمر اگر انشاء الله این اساس را نواقصش را مرتفع بکنیم و بتوانیم نگاه داریم یک چند سال ، دوسه سال این کارها ای که شروع شده است و آنچه که باید شروع شود بجز این بیفکرمی داریم که یک تأمین آتیه درازی برای سعادت این مملکت باشد راجع به موضوع برنامه گزارش مفصل و با ذکر جزئیات عمل و حساب و ارقام تهیه شده که عنقریب بنظر آقایان میرسد که آنرا هم مطالعه می فرمائید بعقیده بنده بحث و انتقاد را بعد از اطلاع موضوع باید کرد آن ارقام را ببینید تشکیلات را ببینید طرح هائی که تهیه شده است ببینید آنوقت اگر ایراداتی هست بفرمائید بنده هم حاضرم متصدیان امور برنامه هم حاضرند کمیسیون برنامه را هم تقاضا می کنیم بزودی تشکیل بشود و آقایان حاضر بشوند جزء بجز آنرا ببینید آن وقت بهتر می شود دید چه کار شده نقص کجا است چه جور می شود رفع کرد اما حالا بطور کلی بگوئیم برنامه بد است ، خوب کجایش بد است چه کار بدی کرده گزارشش را ببینید شاید یک کارهائی کرده باشد (آزاد - هیچ کاری نکرده است ، دوست و پنجاه میلیون تومان خرج کرده است برای تعمیق دریاها پنج میلیون تومان پول خرج کرده است) (ژنگ رئیس) آقای آزاد منکه شماره اهدایت می کنم که ببینید تا وقتی که میفرمائید دوست و پنجاه میلیون تومان آنوقت دو میلیون هم اختلاف نداشته باشد و بیس و بیش نباشد از آنجا خواهش می کنم که این گزارش را وقتی بهشان داده شد ملاحظه کنید .

**آزاد** - تا این اندازه که گزارش داده شده است برخلاف واقع بوده است .

**نایب رئیس** - آقای آزاد برای مرتبه دوم بجناب عالی اخطار می کنم ، بفرمائید آقای نخست وزیر .

**نخست وزیر** - ... نه چیزی نیست از روی خیر خواهی حرف میزنند ، منم هیچ منظور ندارم ولی باز هم می گویم که باید دقت کرد و یک حرفی زد

یک وضعیاتی است که بالاخره در این چندسال اخیر خوب توجه نشده است با احتیاجات اقدامات صحیحی نشده است بازرگانی خارجی و اوضاع دنیا همه در این مؤثر است اما البته باید نهایت تسریع در اینکار بشود و قدم اصلی این کار هم اقدام برای رشته های اقتصادی و عمرانی و تولیدی است که وضع زندگی را یک تقدیری آسایش بدهد رفاه بدهد میزان صادرات ما که بسیار کم شده است ترقی بکند و بالاخره آن تولید کنندگان که قوه اصلی این ملت و این جماعت هستند بتوانند بهره کافی ببرند این مطلب کاملاً مورد توجه دولت هست و فکرها هم دولت دارد و لویایعی در دست دارد و بعضیهاش را هم تهیه کرده که بتدریج برض مجلس میرساند و امیدواریم که آقایان با کمال توجه که خودشان هم علاقمند هستند سرعت برای لویایع و تصویب این قوانین مساعدت بفرمائید که انشاء الله نتیجه بدست بیاید (صحیح است) در قسمت اقتصادی اگر بخواهم بحث بکنم خیلی مفصل است بجهت اینکه قسمت اقتصاد را وقتی مامی بنیم یک رشته دور رشته نیست رشته های مختلفی است که باید همه دست زده شوم تا در نتیجه وضع زندگی مردم بهبود پیدا بکند و حالا هم این رشته ها در برنامه هفت ساله مترکز شده است باید سعی بکنیم این ها خوب راه بیفتند و اینها خوب بکار بیفتند برای آنکه در نتیجه آن برای آسایش و رفاه مردم استفاده بشود یکتست راجع بامور بهداشتی و کمکهای بهداشتی فرمودند بنظوریکه آقای دکتر اظهار کردند این بنگاههای خیریه کار بهداشتی میکنند کار بهداشتی هم البته مربوط بوزارت بهداشتی است وزارت بهداشتی که وزارت بهداشتی است و وسایل کافی هنوز ندارد بجای خود ولی در سالکی هم که وسایل کافی بهداشتی در قسمت وزارتخانه شان موجود است آنها هم احتیاج دارند بینگاههای خیریه و در واقع از جهت جنبه اجتماعی و عمومی مملکت همکار وزارت بهداشتی هستند و در اینجا این بنگاههای خیریه از روی حسن نیت و احساساتی که کاملاً مورد ستایش است در خاندان سلطنتی جا گرفته است و الاحضرتهای شاهدخت اینها هر دو اوقاتشان همشان مصروف است انصافاً نهایت علاقه را هم دارند بکمکهای خیریه و منتهای کمک و مساعدت را کرده اند بعقیده من آنها را باید تشویق کرد کمک کرد و قدر دانی کرد (صحیح است) این هیچ مانع از این نیست که وزارت بهداشتی کارهای عمومی و وظیفه اداری را انجام بدهد ولی این جنبه اجتماعی دارد و جمع آوری اعانه است تأسیساتی است با کمک مردم بنگاههای خیریه اینها همه بجای خودش بوقوع است و هر چه هم ما بیشتر بکنیم باز هم جا دارد بجهت اینکه ما اینقدر احتیاجات خیلی مبرمی هست داریم که تصور میکنم هر چه قدر هم از اینکارها بکنیم

و هر قدر از این بنگاهها تشکیل بشود باز کار دارد و مورد احتیاج است (صحیح است) این کمکی را هم که دولت میکند یعنی اعتباری و آن در بودجه دولت برای سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی گذاشته شده است این یک کمکی است که میشود و بالاخره میخواستند که در اوایل امر بخصوص یک تقویت بشود این در واقع مثل یک اعتباراتی است بینگاههای خیریه دولت میدهد این یک تقویت است برای امور خیریه این یک کمک و مستوری است برای تقویت این سازمان خدماتشان هم خوب است مردم هم تا بحال خدمت کرده اند (صحیح است) حالا در خصوص طرز عمل دولت و کمک باین منظوره ای اصلاحی بنده میتوانم اطمینان قطعی بدهم که جز این هیچ نظری نیست و ما حاضر هستیم برای همه گونه مشورت و تبادل نظر که کارها اصلاح بشود و منظور ما هم جز این نیست که این راه را برویم چنانکه اغلب حضرت همایونی هم همیشه تأکید میفرمائید بخصوص در مسائلی که مربوط برفاه و آسایش اجتماعی است چاره ای غیر از این نیست که این راه را برویم و سعی هم بکنیم که با تقویت و همفکری آقایان و عموم علاقمندان و خدمتگزاران که باین مقصد برسیم ، در این زمینه بنده نمیخواهم عرضی بکنم یک مطلب خصوصی هم بین بنده و آقای دکتر مصدق صحبت شد آن را علیحدگی با ایشان صحبت میکنم و نشانی میدهم بهشان که من نتوانستم اظهار بکنم که موردی نداشته است آنها اگر شده است وظیفه ام بوده است و البته وظیفه همه است این هم بجای خودش محفوظ این علیحدگی است که خصوصی صحبت میکنم ما البته امیدواریم وسائل جلب مساعدت و تشویق همکاران را بپرتوی که ممکن است فراهم بکنیم هیچگونه میل نداریم کشمکش و مجادله بشود و سوء تفاهمی هم بشود تا این دولت هست روشش این است و تا حال هم که دو ماه بیشتر از عمر این دولت نگذشته و در این مدت که برای کار دولت خیلی کوتاه است نهایت کوشش را کرده با گرفتاریهای خیلی زیاد که در اول کار معلوم است و برای کارهای معوقه فکرها هم باید بشود و برای آینده مقدماتی باید فراهم بشود این دو ماه روز و شب فراغت نداشته ایم این اظهار هم البته برای خدمت نمائی نیست این وظیفه ایست برای ما تا جان داریم باید خدمت بکنیم بنده شخصی هستم که معتقدم نباید وقت را تلف کرد ما نظری نداریم جز اینکه نظرمان خدمت است نظرمان جلب همکاریست و باید یک طوری باشد که وقت مملکت تلف نشود و خدمتی که منظور همه است انجام بشود. (احسن)

**۳- تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای نخست وزیر**  
نخست وزیر - لایحه ای دارم که تقدیم میکنم از جمله همان اموری است که مربوط است ببرنامج دولت راجع بتسهیل زندگی و تخفیف هزینه

زندگی راجع بتسهیل مال الاجاره و طرز تصفیه اختلافاتی که میان موجرین و مستاجرین هست و خیلی اسباب زحمت شده است (صحیح است) این را بطور سهل و ساده چند ماده ما فکر کردیم که حالا تقدیم مجلس میشود امیدوارم که اینهم تصویب بشود و این یکی از اموری است که در زندگی مردم کمک میکند (احسن)

**وزیر کشور** - اجازه بفرمائید؟  
**شوشتری** - آقا اخطار مقدم است.

**۴- بیانات آقایان وزیر کشور و وزیر دارائی و وزیر جنگ**  
**نایب رئیس** - آقای وزیر کشور بفرمائید  
**وزیر کشور** - من عریض مفصلی داشتم که آقای رئیس اظهار داشتند چون وقت دیر شده و آقایان نمایندگان هم خسته هستند این است که چون یک اظهاراتی شد بطور مختصر چند جمله ای عرض میکنم و حق خود را برای اظهارات مفصل محفوظ نگه میدارم اینجا گفته شد یکی از آقایان گفت که من در موقع شهریور قرار کردم این آور نیست من نمی توانستم چکه به کردن بیندازم قرآن بدست بگیرم و در مقابل یک قشون مهاجم تسلیم بشوم دولت بمن امر داد که تخلیه بکنم هر مأموری مکلف بود اطاعت بکند و دلیل نترسیدن من این است که بعضی ورود تهران امر شد که باستان چهارم بروم و آقای امامی شاهدند که با هم رفتیم و در یک موقع مشکلی انجام وظیفه در رضائیه کردیم (صحیح است) این اظهارات قسمت دوم مربوط بافترا و اتهاماتی است که در یک روزنامه یک نفر بن زده من آن شخص را قانوناً تعقیب کردم و در دادگاه معلوم خواهد شد که رویه من در مأموریت فارس چه بوده حالا بقیه اظهارات من میباشد برای روز بعد

**نایب رئیس** - آقای وزیر دائی یک شرحی نوشته اند که راجع بسازمان شاهنشاهی توضیحاتی بدهند بفرمائید آقای وزیر دارائی. (آشتیانی زاده - ورده استیضاح را هم بفرمائید قرائت کنند)

**وزیر دارائی** - اکثر توضیحاتی را که بنده میخواستم عرض کنم جناب آقای نخست وزیر با بیانات جامع و مؤثر خودشان بیان فرمودند و نتایجی که از این بنگاه سودمند اجتماعی عاید طبقات ستم دیده و مستمند مملکت میشود تشریح و توضیح فرمودند بنده فقط برای تکمیل مطلب و برای اینکه ذهن آقایان روشن شده باشد خواستم توضیح بدهم که این بنگاه یک شخصیت مستقلی دارد و یک اساسنامه ای دارد و تابع اساسنامه خودش است و بر طبق این اساسنامه یک هیئت مدیره ای دارد که در آن هیئت مدیره وزیر دارائی و وزیر بهداشتی و تمام مخارجی که باید بشود تا توافق حاصل نشود و اکثریت باتفاق



رای ندمد هیچ پولی بهیچوجه خرج نمیشود علاوه براین يك هيئت نظارتی در آن اساسنامه پیش بینی شده است و در آنجا رئیس دیوان محاسبات عضویت دارند و بواسطه عضویت رئیس دیوان محاسبات در هر موقع که لازم باشد از دیوان محاسبات هم کمک می گیرند حسابدارانی که متعصب در امور باشند می آیند آنجا و بحسابها رسیدگی میکنند و نتیجه را گزارش میدهند و نتیجه مورد تصویب واقع میشود منظور هر ض بنده این بود که هر ض کنم و به آقایان اطمینان بدهم که کمال دقت و رسیدگی در محاسبات بوسیله اشخاص صلاحیتدار میشود مخصوصاً جناب آقای نخست وزیر که مورد اعتماد همه آقایان نمایندگان میباشد هم در هیئت مدیره و هر در هیئت نظارت عضویت دارند بیش از این بنده وقت آقایان را نمی گیرم.

**نایب رئیس** — آقای وزیر جنگ بفرمائید  
**وزیر جنگ** — بطوریکه آقایان نمایندگان محترم استحضار دارند کنکره امریکا در سال ۱۹۴۹

قانون اعطای کمک نظامی بکشور های یگانه را تصویب کرد.

بموجب فصل سوم این قانون مبلغ ۴۷۶۴۰۰۰۰ دلار هم برای کمک بایران و دو کشور دیگر تصویب گردیده بود که تا تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۵۰ قابل استفاده میباشد.

این کمک بصورت تحویل و واگذاری اسلحه و ساز و برگ انجام میگردد و برای این منظور بین دولتهائی که از این کمک مجانی استفاده مینمایند با دولت امریکا موافقت هائی حاصل میشود که طبق آن ترتیب تحویل و تسلیم اسلحه و ساز و برگ داده میشود دولت شاهنشاهی ترتیب این کار و طرز تحویل اسلحه و ساز و برگ را بوسیله نامه بین وزارت امور خارجه امریکا و سفارت کبرای شاهنشاهی در واشنگتن مبادله شده است انجام دنده \* ضمناً امیدواریم که این کمک مقدمه کمک های مفید دیگری از طرف دولت

امریکا بایران بشود و در این موقع لازم میدانند از طرف دولت ایران از دولت امریکا نسبت باین مساعدتی حقه بلاعوض نموده است اظهار تشکر نماید (صحیح است احسنت)

**تعیین موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه نایب رئیس** — چون وقت منقضی شده است

يك ورقه استیضاح و يك ورقه اعلام جرم رسیده است که در جلسه آتی قرائت خواهد شد و چند نفر از آقایان نمایندگان آقای فرامرزی آقای کنجه ای آقای شوشتری ( شوشتری — بنده هرا بضم مختصر است ) و آقای دکتر راجی هم بعنوان اغضار نظامنامه اجازه خواسته اند حالا جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده روز یکشنبه ۷ خرداد ساعت هشت و نیم صبح

دستور بقیه گزارش راجع به خالصجات

(یک ربع ساعت بعد از ظهر جلسه ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی — **دکتر معتمدی**